شهر ـ بلوک منفی

استودیو گرید

طراح و ایده پرداز: مینا سعادت فرد
گروه ارائه: پرهام استوار، احمدرضا امیری

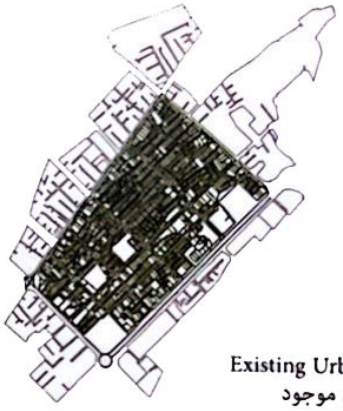

Existing Urban SuperBlock
سوپر بلوک شهری موجود

In the absence of a social form, architects do not build a counterform; they build a counterspace.

(Albert Pope, 1996)

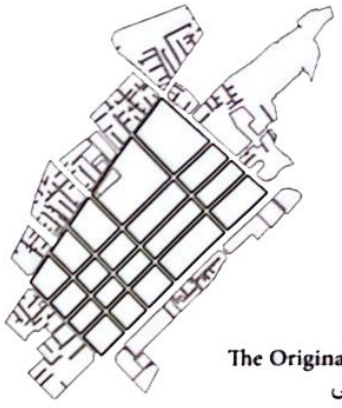

The Original Grid Strcture
ساختار گرید اصلی

آلبرت پوپ در کتاب نردبان‌ها با اشاره تاریخی به شماری از نوشته‌هایی همچون باغ شهرهای آینده ابنزر هاوارد، شهر جدید لودویگ هیلبرزیمر، از لاس وگاس بیاموزیم رابرت ونتوری و دنیس اسکات براون و S, M, L, XL رم کولهاس، بیان می‌کند که مشخصه اصلی شهر معاصردر این نوشته‌ها نه فرم‌های ساخته شده بلکه کلان فضاهایی است که کنترل فرم‌های ساخته شده بر آن‌ها بسیار اندک و گاهی هیچ است. این فضاها که بر نمایش تمام قد معماری در شهر سایه می‌افکنند در نهایت بر محیط شهری معاصر چیره می‌شوند. وی بیان می‌نماید که با این حال پارکینگ‌های وسیع شهری، مناطق پراکنده یا پیوسته در حال زوال شهری، قطعات توسعه نیافته، پارک‌های عمومی وسیع، پلازاهای شهری، پارک‌های صنعتی، شهربازی‌ها و دیگر وُید گستره‌های وسیع شهری فضاهای هستند که از بررسی‌های سیستماتیک توسط تئوری معماری دور مانده‌اند.

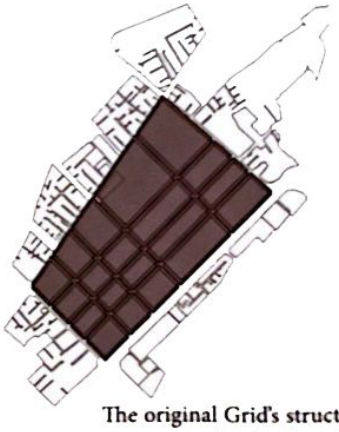

The original Grid's structure:Circulation network+dense horizontal plots
ساختار گرید اصلی :شبکه معابر+تجمع تراکم افقی

پوپ رویکرد جدیدی را مطرح می‌کند که به شمول دوباره عرصه‌های فضایی وسیع در معماری شهر می‌پردازد و از تن سپردن به ساده‌ترین مَفَر که پییر ویتوریو آئورلی به آن هنر تولید ابژه مجرد می‌گوید امتناع می‌ورزد. حرکت او به سمت احیای مفهوم فرم شهری بر پارادوکس شکست فرم، از ظهور آنچه او از آن به برتری فضا یاد می‌کند تاکید دارد. وی بیان می‌کند که در شهر معاصر، درون گستردگیِ بی نهایتِ عرصه شهری که تشخیص آنچه شهر است از آنچه شهر نیست را به شدت دشوار می‌کند، نقش معماری به مثابه یک ابژه ساخته شده در شکل دهی به ساختار شهر را کم تاثیر می‌سازد. با این حال این رویکرد از منظر پوپ به معنای حمله به فرم و معماری نیست. برای او تنها با پذیرفتن این وضعیت است ما خواهیم توانست نقش حیاتی فرم در شکل دهی به شهر معاصر را بازیابی کنیم. برای پوپ فرم دیگر ابزاری مطمئن برای تصرف فضا نیست؛ بلکه راهی نامحسوس برای شکل دادن و تعریف فضای شهری است. ایده پوپ ترک فرم در مقیاس ابژه معماری و مطالبه مجدد آن در مقیاس شهر است. به ظن وی وُیدها شکاف‌ها و خالی‌های شهر معاصر که به تبیین کاراکتر شهر معاصر آمده‌اند، بدون معنا نیستند: آنها پسماندهای پس از فاجعه‌اند، او هزینه‌ی نفی پروژه جمعی مدرنیسم را در زدودن خالی و وسیع فضای شهری معاصرمی‌بیند.

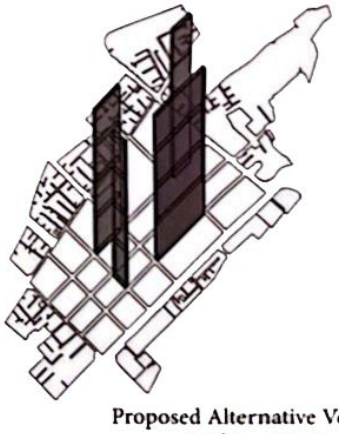

Proposed Alternative Vertical Densities
تراکمهای عمودی پیشنهادی جایگزین

این نوع ارجاع به پروژه شهر قرابت زیادی با ایده‌های رم کولهاس و اُ.ام.ای از مفاهیم Nothingness و ژنریک دارد؛ چرا که کولهاس، به عنوان آلترناتیوی برای یک معماری متشکل از فرم، به دنبال معماری‌ای ساخته شده از فضای خالی است، فضایی که خالی بودن آن به وُیدی اشاره می‌کند که حدوث فعالیت‌های ممکن در آن نیازمند فرم ساخته شده نیست. مفهوم Nothingness در بیان کولهاس صرفا حذف فرم معماری نیست، بلکه بازنگری فرم معماری در مقیاسی جدید است. برای کولهاس یکی از نقاط شروع بازنگری پروژه شهر از بررسی پروژه برلین: مجمع الجزایری سبز از اوزوالد ماتیاس اونگرز آغاز می‌گردد. در این پروژه در حالی که برنامه جزایر در نهایت به سوی

افزایش تراکم شهری پیش می‌رود، نواحی بینابین جزیره‌ها برای رشد متابولیسمی غیر رسمی از نواحی وسیع سبز رها گشته، در این تعریف نواحی سبز مابین جزایر به مثابه آنتی تزی در برابر شهرْبودگی جزایر عمل می‌کنند. پیر ویتوریو آئورلی در تحلیل پروژه برلین می‌گوید اونگرز با تولید تقابلی میان جزیره و دریا به مثابه دیالوگی میان امری با مرزهای روشن و امری نامتعین، ناپایدار و دائما متلاطم، مفهوم گستره سبز یا وُید را به عنوان امری همواره در ابهام که همزمان پذیرای دو سناریوی حداکثری می‌باشد نشان می‌دهد: عقب کشیده از شهریت و به همان میزان دربرگیرنده‌ی آن.

با وجود تفاوت در پیش فرض‌ها و نوع نگاه به شهر این پروژه‌ها، آنچه در تمامی آنها و دیگر پروژه‌هایی از این قسم مشهود است اهمیت عاملیت وُیدهای شهری و چگونگی صورت بندی آنها در رابطه با تراکم‌های معماری در برخوردی انتقادی با پروژه شهر است.

Variety of definitions of void in urban space
گوناگونی تعاریف ووید در فضای شهری

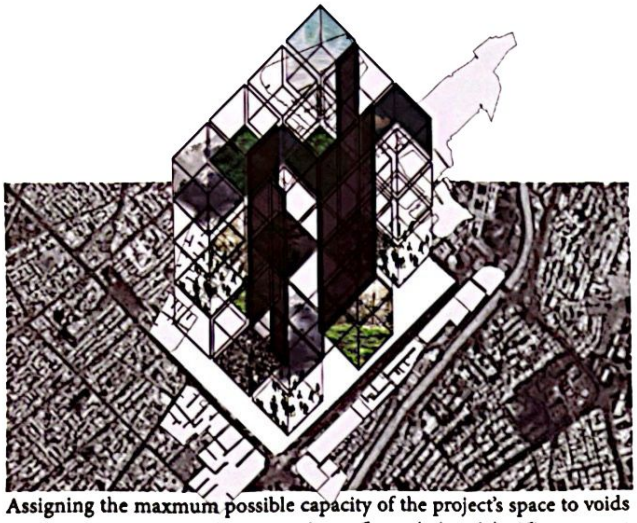

Assigning the maxmum possible capacity of the project's space to voids
تخصیص حداکثر ظرفیت فضایی ممکن پروژه به ووید‌ها

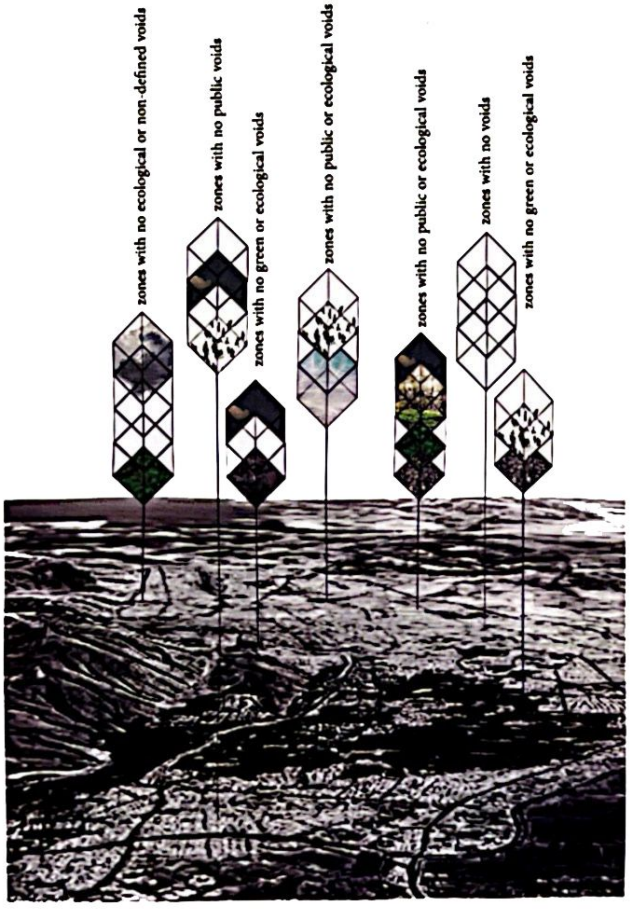

شیراز

با نگاهی به رشد شهرشیراز، با توسعه‌ی نوعی لایه‌ی افقی روبرو می‌شویم که در نهایت به تصویری از تکثیر بی انتهای امری نامطلوب منتهی شده است، تکثیری که در حال زدودن تمامی عرصه‌های باز شهری و انباشت آن از ساختارهای هرز کوتاه مرتبه است. آنچه در چشم انداز این نوع هرزرویی تراکم‌های افقی دیده می‌شود پر شدن تدریجی و کامل شهر از این لایه ی افقی است، وضعیتی که در آن تنها وُیدهای شهری، پس ماندهای ترافیکی باقی مانده برای تأمین دسترسی‌ها خواهند بود. با حذف بیشتر فضاهای خالی شهری؛ طبیعی یا مصنوع، نشانه‌ای از تعریف شهر معاصر باقی نخواهد ماند. از سوی دیگر این روند، شهر را به سمت درونی شدنی انفرادی سوق داده است، به معنای دیگر حذف وُید در کنار ساخت بی نهایت تراکم افقی تقابل سناریوهای جمعی و فردی شهر را که از مشخصه‌های بارز شهر معاصر است تضعیف خواهد نمود. آنچه مسلم است این است که جمعیت شهر در حال افزایش است و بازگشتی از روند شهری شدن وجود ندارد، و آنچه خواهد توانست به مسئله تراکم شهر پاسخ دهد را باید دردرون مرزهای شهر و نه در توسعه‌ی افقی بیشتر آن جستجو کرد.

ـ پرسش این پروژه راست آزمایی امکان تولید نسبت انتقادی جدیدی بین تراکم‌های خالی و تراکم‌های ساخته شده در شهر حاضر از معبر معماری بلندمرتبه است.

سایت پروژه

سایت پروژه یک سوپر بلوک شهری در مرکز شهر شیراز است که حدفاصل خیابان قصردشت و بلوار کریمخان زند در یک راستا و خیابان ملاصدرا و خیابان انقلاب درراستای دیگر واقع شده است، این سایت علاوه بر داشتن تراکم بالایی از کلیه کاربری‌ها، یکی از معدود مناطق شهری شیراز است که تقسیمات کلان معابر اصلی آن بر پایه هندسه گرید صورت گرفته است. اتصال میان فضای شبکه گون و توسعه شهری مرتبط به توانایی ذاتی شبکه برای تولید سیستمی از پیچیدگی نامحدود است که می‌تواند از طیف گسترده‌ای از ناهمگونی‌های شهری پشتیبانی کند. از سوی دیگر با وجود سطح اشغالی نزدیک به ۱/۵ میلیون متر مربع که در آینده نزدیک شاهد هشت تا ده برابر تراکم ساخته شده خواهد داشت، سایت مذکور در حال حاضرتقریبا شامل هیچ وُید شهری قابل توجهی نمی‌باشد.

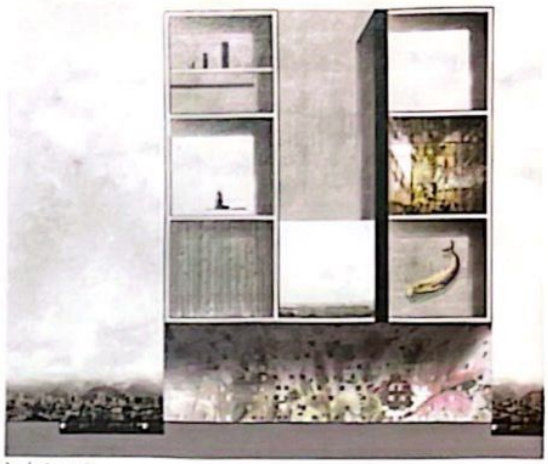

تصویر شماره ۱

تصویر شماره ۲

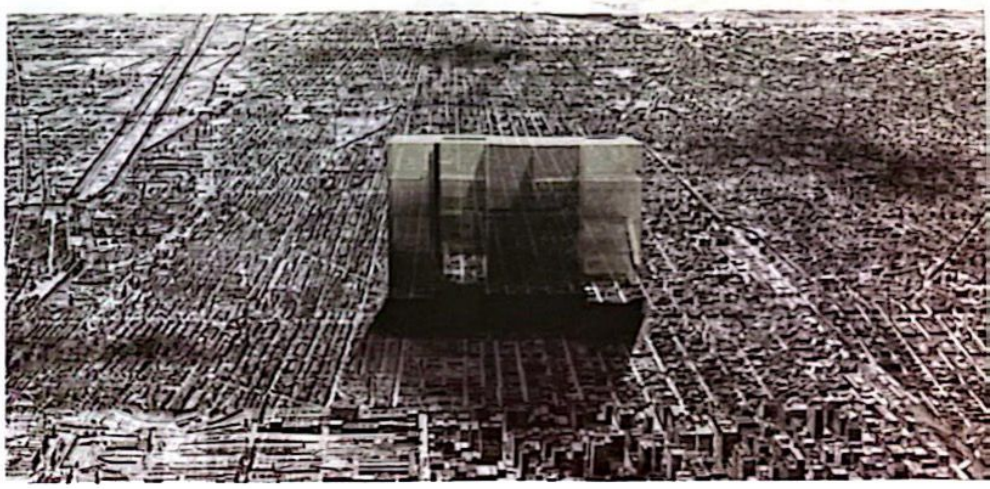

بلوک منفی شهری

ایده پروژه، تولید شهرِ جزیره‌ای درون شهری است که در درون مرزهای خود تعریفی جدید از نسبت تراکم پر به خالی دارد. ابرابژه‌ای که فضای داخلی‌ای متشکل از انباشتی از وُیدهای مستقل دارد، فیلدهایی با تعاریفی ناهمگون، ناپایدارو غیر قابل پیش‌بینی. تکرار حداکثری وُیدهایی فرابزرگ در داخل مرزهای معماری که در برابر و در نقد تکثیر بی نهایت تراکم‌های افقی هرزه رو قد علم می‌کند. پروژه تلاشی است برای ایجاد تصویری استعاری از تجمیع تمامی وُیدهای حذف شده یا از اساس ایجاد نشده شهر که با پوسته‌ای نیمه شفاف از شهر جدا می‌شوند، تجسم سناریوهایی امکان پذیر ولی دور از دسترس از فضاهایی که تمامی قوانین معماری در آن‌ها به تعلیق در می‌آیند. به بیان دیگر خالی بودن فضا به معنای خلاء معنا نیست، بلکه آستن سکوتی نیرومند، فرومی متروکه، یک میدان شهری پنهان، باغی مخفی، اکوسیستمی ناموجود و ... است.

در گام اول محدوده پروژه از اطراف به اندازه‌ی یک واحد از شبکه اصلی سوپربلوک عقب می نشیند و پروژه با خالی کردن حاشیه شهری بسیار عریضی از تراکم، وُیدهای گسترده‌ای را به شهر باز می گرداند (تصویر ۱). مرز محدوده‌ی مرکزی باقی مانده لبه‌های یک ابرابژه شهری را تعریف می‌کند؛ معماری بسیار بزرگ مقیاسی انباشته از تراکم‌های خالی که جزایری از توده‌های معماری در میان آنها شناورند (تصویر۲). فرا بزرگ بودن مقیاس پروژه در عین اینکه تابعی است از تناسبات وُیدهای درونی، پیش نیاز گونه‌ای از معماری است که دربی تفکیک فضای داخلی و بیرونی است؛ در حالی که موجودیت پوسته خارجی وابسته به کارکرد شهر موجود است و در سازماندهی مناسبات شهر حاضر بسیار موثر است، فرصت بروز و حدوث جهان‌هایی مستقل را درون خود می‌دهد. از سوی دیگر با فرض جایگزینی تراکم افقی با عمودی و این امر که شهر به سمت هر چه درونی تر شدن پیش می‌رود، برای گریزاز وضعیت مشابه کنونی در فضاهای داخلی عمودی، پیشنهاد پروژه حداقل میزان سطح مقطع و رشد فرا بلند تراکم‌های پر در کنار اختصاص حداکثر ظرفیت حجمی فضاهای داخلی بزرگ عمودی به وُیدها است.

استراتژی پروژه برای تأمین تراکم مورد نیاز با حداقل میزان تراکم افقی و آزاد نمودن حداکثری سایت از حضور تراکم در معکوس نمودن تراکم‌های پر و خالی در محدوده‌ی سایت جستجو شده است، به این قسم گستره‌های افقی وسیع محصور میان شبکه گرید از تراکم خالی گشته و معدودی برش مشخص از معابر بسیار باریک از تراکم پر شده و در رشدی عمودی و فرابلند جایگزین تراکم‌های حذف شده می‌شوند. لذا، در نقدی به وضعیت موجود تراکم، فضاهای پر، خالی، و خالی‌ها پر می‌شوند. برجُ دیوارهای تولید شده که جزایری مستقل از تراکم بسیار بلند مرتبه هستند به قسمی محاسبه و پراکنده شده‌اند که تراکم پیش‌بینی شده برای آینده سایت را تأمین کنند. با رشد عمودی شبکهٔ مبنای فضای بینابین توده‌های پر با انباشتی از وُیدهایی مستقل اشغال می شود؛ جهان‌هایی موازی از فضاهای داخلی بزرگ که برجِ دیوارها را برگرفته‌اند (تصویر ۳و۴). با وجود خالی شدن حجم‌هایی به سمت شهر و تولید وُیدهایی در ارتباط با شهر، پوسته همچنان بسته می‌ماند و وضعیتی کاملا اینتربور تولید می‌نماید. نسبت نمادین و اغراق آمیزی که در این پروژه بین تراکم ساخته شده و تراکم خالی برقرار شده بیانگر نگاه انتقادی پروژه به نوع پخش تراکم در وضعیت موجود شهر است.